

روز جهانی زن در میانه بحران و عقبگرد تاریخی

هشتم مارچ، روز جهانی همبسته‌گی و مبارزه زنان، یادآور تاریخ پرفرازونشیب مبارزاتی است که با فریاد عدالت‌خواهی کارگران زن در آغاز سده بیستم رقم خورد؛ روزی که با الهام از مبارزات زنان کمونیست و پیش‌تازی چهره‌هایی چون کلارا زتکین، به نماد ایستاده‌گی در برابر ستم جنسیتی و طبقاتی بدل شد. امروز نیز در شرایطی به استقبال این روز می‌رویم که جهان، بیش از هر زمان دیگر، با بحران‌هایی عمیق و درهم‌تنیده روبه‌رو است.

سرمایه‌داری جهانی در بحرانی ساختاری و ژرف فرو رفته است؛ بحرانی که با تعمیق فقر، گسترش نابرابری، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم افسارگسیخته، بی‌کاری فزاینده، تحمیل سیاست‌های ریاضتی و نابودی دستاوردهای اجتماعی همراه شده است. تقابل قدرت‌های بزرگ هژمون و رقابت بر سر بازتقسیم مناطق نفوذ، جهان را در آستانه تنش‌ها و جنگ‌هایی ویرانگر دیگر قرار داده است. افول قدرت بلامنازع اقتصادی آمریکا و تلاش آن برای مهار چین و روسیه، و هم‌پا با آن تلاش قدرت حاکمه اسرائیل برای تبدیل شدن به قدرت هژمون خاورمیانه، منطقه را به انبار باروتی تبدیل کرده که هزینه آن را غیرنظامیان، به‌ویژه زنان و کودکان با زنده‌گی شان، می‌پردازند. رقابت بر سر منابع، به ویژه انرژی و مواد معدنی استراتژیک، نه تنها صلح را به مخاطره انداخته، بلکه خشونت ساختاری علیه زنان را در مناطق بحرانی همچون افغانستان، اوکراین، فلسطین (غزه)، سوریه، هاییتی، کنگو و سودان تشدید کرده است.

در افغانستان، زیر حاکمیت امارت اسلامی سرمایه، زنان به‌گونه‌ی سیستماتیک از عرصه‌های آموزش، کار و حضور اجتماعی رانده شده‌اند. منع تحصیل دختران، بسته شدن درهای دانشگاه‌ها و ادارات به روی زنان، تحمیل محدودیت‌های سخت بر رفت‌وآمد و پوشش، رسمیت‌یافتن قوانین عصرحجری جزای اسلامی، مشروع دانستن برده‌داری و رواج هنجارهای قرون‌وسطایی، جامعه را به طرز هولناکی به عقب رانده است. بی‌کاری گسترده، فقر، فروپاشی اقتصادی، جهل و استبداد مذهبی با چاشنی ناسیونالیسم قومی، شکاف‌ها و بی‌عدالتی‌ها را ژرف‌تر ساخته است. علاوه بر آن، مصایب ناشی از جنگ ارتجاعی میان امارت اسلامی سرمایه و دولت مرتجع پاکستان نیز از مردم کارگر، فرودست و محروم، به‌ویژه زنان، قربانی می‌گیرد. این وضعیت نه تنها نقض آشکار حقوق انسانی زنان، که ضربه مهلک بر پیکر تمامی جامعه است.

هم‌زمان با جنگ و بحران انسانی در افغانستان، امروزه جنگ فراگیر دیگری، ایران و منطقه را به آتش کشیده است. تقابل میان قدرت امپریالیستی آمریکا و متحد آن دولت فاشیستی

اسرائیل با جمهوری اسلامی سرمایه در ایران به خطرناک‌ترین مرحله خود رسیده است. از یک سو، سرکوب خونین اعتراضات مردمی و کشتار هزاران معترض به فقر، فلاکت و استبداد توسط حکومت جنایتکار اسلامی؛ و از سوی دیگر، قدرت امپریالیستی آمریکا و دولت فاشیست اسرائیل پس از کوبیدن مداوم بر طبل جنگ و میلیتاریسم در هفته‌های پسین، به تاریخ ۹ حوت/اسفند (۲۸ فبروری) عملاً دست به حمله مرگبار نظامی به ایران زدند؛ جنگ جاری دو طرف این منازعه خونین خطری جدی برای صلح و امنیت مردم ایران، منطقه و جهان به شمار می‌رود. رژیم جمهوری اسلامی سرمایه، در تمام دوران حاکمیت نکبت‌بارش، با سرکوب کارگران و زنان، اعدام‌های خیابانی و فقر تحمیلی، امنیت و جان مردم ایران را قربانی جاه‌طلبی‌های ایدئولوژیک و نظامی خود کرده است. در جنگی جاری، نخستین و بیشترین قربانیان جنگ، بدون شک طبقات و اقشار فرودست به‌ویژه طبقه کارگر، زنان و کودکان اند؛ کشتار ۱۷۵ تن از کودکان دانش‌آموز دختر در میناب، فقط یک نمونه از جنایتی جنگی است که در اثر آن تا این دم، زنان و کودکان قربانی شده‌اند. جنگ، جدال و بربریت جاری باعث خانه‌خوابی، محرومیت، فقر و آواره‌گی هرچه بیشتر برده‌گان مزدی، اقشار و لایه‌های فرودست و محروم جامعه خواهد شد.

در سایه بحران‌های اقتصادی، جنگ و فروپاشی اجتماعی، این نیروهای مذهبی، ناسیونالیستی و شبه‌فاشیستی هستند که میدان‌دار می‌شوند. این جریان‌ها با بهره‌برداری از ناامیدی و سرخورده‌گی توده‌ها، پروژه زن‌ستیزی را در لباس «حفظ ارزش‌ها» یا «مقاومت در برابر غرب» پیش می‌برند. گسترش این ایدئولوژی‌ها که نمونه بارز آن در سیاست‌های امارت اسلامی طالبان و قوانین تبعیض‌آمیز در جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود، بزرگترین مانع بر سر راه آزادی و برابری است.

هشتم مارچ تنها یک روز نمادین نیست؛ فراخوانی است برای اعتراض علیه تمام اشکال سلطه، استثمار و تبعیض؛ و کوششی برای سازمان‌یابی به منظور نابودی مناسبات سرمایه‌دارانه‌یی که تبعیض، ستم و آپارتاید جنسیتی در آن تولید و بازتولید می‌شود.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان خواستار سرنگونی نظام کارمزدی و نظام‌های مبتنی بر آپارتاید جنسیتی، پایان دادن به مداخلات قدرت‌های امپریالیستی بوده و از مبارزات زنان برای آزادی، برابری و رفاه قاطعانه حمایت و پشتیبانی می‌نماید. ما بر این باوریم که رهایی زنان و رفع تبعیض و ستم جنسی، از رهایی تمامی جامعه از سلطه استبداد، بنیادگرایی، سرمایه‌داری و جنگ‌افروزی جدایی‌ناپذیر است. مبارزه برای برابری جنسیتی، عدالت اجتماعی و سازمان‌دهی جامعه‌یی درخور و شایسته انسان امروز، بدون سازمان‌یابی، آگاهی طبقاتی، ترسیم چشم‌اندازی روشن و انقلاب اجتماعی، ممکن و میسر نیست.

زنده باد همبسته‌گی زنان جهان!

زنده باد آزادی، برابری و عدالت اجتماعی!

نه به آپارتاید جنسیتی!

نابود باد مردسالاری!

نه به جنگ و سلطه‌گری!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۱۳ حوت / اسفند ۱۴۰۴ ؛ ۴ مارچ ۲۰۲۶